

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.351768.3734>

The Symbol of Intellect in Khamsa of Nizami

Abstract:

This article aims to investigate the symbol of Intellect in Khamsa of Nizami. Intellect is a pivotal conceptual and lexical elements in Persian literature and the extent of its usage in poetry and prose has developed over time and it has witnessed many changes in the intellectual and philosophical realm of wisdom and mysticism. The meaning of intellect and its derivatives in Iranian culture and thought has always been a place of dispute, and due to the combination with Greek philosophy, Islamic theology, and Sufi thought; numerous concepts have been deduced from it. Nizami has a dual perspective towards wisdom. On the one hand, he praises intellect and wisdom and appreciates the superior status of wisdom in guiding human beings, and on the other hand, in the sense of mystical point of view and dependence on the Shari'a, intellect does not have any role in achieving wisdom and God and considers it rather unreliable. Given this dichotomy, this paper will address the place of intellect in the mystical and theological worldview and the reasons for its inability to perception of the truth from Nizami perspective.

Keywords: Intellect, Mysticism, Wisdom, Nizami.

سیمای خرد در خمسه نظامی

مریم پناهی¹محمود صادق زاده²هادی حیدری نیا³

تاریخ دریافت: 1401/4/10

تاریخ پذیرش: 1401/6/7

چکیده

هدف این مقاله بررسی سیمای خرد در خمسه حکیم نظامی گنجه ای است. خرد و عقل از مهم ترین عناصر مفهومی و واژگانی در ادب فارسی است که دامنه کاربرد آن در نظم و نثر در طول دوران گسترش یافته و در نحله های فکری و فلسفی، حکمت و عرفان دستخوش تغییر و تحولات بسیاری گردیده است. مفهوم اصطلاح عقل و مشتقات آن در فرهنگ و اندیشه ایرانی پیوسته محل اختلاف بوده و چون غالباً با فلسفه یونانی و کلام اسلامی و اندیشه های صوفیانه در آمیخته است؛ مفاهیم متعددی از آن برداشت گردیده است. نظامی به تبع نظرگاه خود به خرد دیدگاه دو گانه ای دارد. از یک سو به ستایش عقل و خرد پرداخته و جایگاه عقل را در هدایت انسان ممتاز می داند و از سوی دیگر با توجه به دیدگاه عرفانی و وابستگی به شریعت عقل برای رسیدن به معرفت و شناخت حضرت حق راه به جایی نمی برد و در این زمینه خرد را چندان مورد اعتماد نمی داند. با توجه به این دوگانگی، در این جستار به جایگاه خرد و عقل در جهان بینی عرفانی و کلامی و دلایل ناتوانی آن در شناخت حق از دیدگاه نظامی پرداخته خواهد شد.

کلید واژگان: خرد، عرفان، معرفت، نظامی.

¹ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، ایران

² دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران (نویسنده مسئول).

³ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

به‌طورکلی نیروی خرد یا عقل مصداق عملی است که ذهن انسان بر روی داده‌های دریافتی ذهنی خود انجام می‌دهد. اندیشمندان عموماً انسان را حیوان عاقل یا ناطق دانسته‌اند. از جمله ارسطو انسان را حیوان ناطق (به معنی عاقل) دانسته است (ارسطو، 1369: 96).

خرد همواره با دو ویژگی شناختن و بازداشتن، از یک سو سبب تمیز میان خیر و شر گشته است و از دیگر سو آدمی را از رویگردانی از خیر بازداشته و اسباب سلامتی و سعادت او را فراهم آورده است. غلبه خردورزی نه تنها زندگی فردی، بلکه حیات جوامع را نیز از پویش و بالندگی برخوردار ساخته و مناسبات اجتماعی را به سوی اعتدال سوق داده است. بنابراین، ارجمندی آن نزد خردمندان عالم بی سبب نبوده است (وجدانی، 1391: ج 42).

مفهوم اصطلاح عقل و مشتقات آن در فرهنگ و اندیشه ایرانی پیوسته محل اختلاف بوده و چون غالباً با فلسفه یونانی و کلام اسلامی (در شاخه‌های متعدد آن) و اندیشه‌های صوفیانه در آمیخته است. تکرر مفهومی هم یافته تا حدی که در برخی موارد وضوح و دلالت معنایی خود را نیز از دست داده است. برای مثال دشوار است بدانیم مفهوم دقیق خرد یا عقل که در آثار فردوسی و ناصر خسرو مرتبه‌ای ویژه یافته است چیست و با خرد و عقل مورد نظر امثال خیام و سنایی و سایر عرفا و صوفیان قرون بعد چه نسبتی دارد؟ زیرا مفهوم عقل و خرد در آثار صوفیه و عرفا با آثار امثال فردوسی و ناصر خسرو متفاوت و حتی متباین است (پارسانسب، 1388: 26).

در میان شاعران زبان فارسی کسانی چون فردوسی و ناصر خسرو و سنایی و نظامی و امثال آنها به این صفت شهره بوده‌اند و خردستایی و توصیف زوایای معنایی و مفهومی خرد از عناصر مهم آثار شعرای حکیم است. اما اینکه حقیقتاً کاربرد لقب حکیم در مورد آنها درست است و مصداق دارد یا نه، خود جای بحث بسیار دارد. در حقیقت اگر واژه و لقب حکیم بیشتر ناظر به دارنده حکمت باشد (چنانکه معمولاً نیز چنین است و گاهی حتی حکمت و عقل را به یک معنی به کار برده‌اند) آنگاه دیدگاه فرد مورد نظر در مورد عقل و حتی فلسفه و دانش در کاربرد لقب حکیم در مورد او تأثیر زیادی خواهد داشت. بر همین اساس کسانی چون بوشکور بلخی و فردوسی و ناصر خسرو در میان شاعران کاملاً شایسته این عنوان هستند و به همین منوال کسانی چون سنایی و نظامی را هرگز نمی‌توان شایسته چنین عنوانی دانست؛ زیرا آنها با وجود اشعار بسیار در ستایش عقل، اشعار مهم‌تری در مذمت و کوچک‌شمردن عقل دارند و اندیشه آنها را باید در شعرهای خردستیز آنها جستجو کرد (دیناری و موحدی، 1398: 17). با توجه به آنچه گذشت در این مقاله تلاش می‌گردد تا زوایای فکری نظامی را در پنج گنج او در زمینه اهمیت خرد و عقل انسانی مورد مذاقه قرار گیرد.

پیشینه تحقیق:

نداف (1393) در بررسی نقش و جایگاه خرد در متون باستانی ایران می‌کوشد بر مبنای کتیبه‌های فارسی باستان، متون اوستایی و متون پهلوی نقش محوری خرد را در اندیشه زردشتی آشکار کند و در این ارتباط، چهار نوع خرد را از هم تشخیص و تمیز می‌دهد.

یزدانی راد و رنجبر جمال آبادی (1397) در بررسی مضمون تقابل خرد و آز و جایگاه آن در اندیشه ایرانیان شهری نشان تقابل آز و خرد از این نظر که بیش از هر جای دیگر در وجود آدمی نمود می‌یابد، صورتی

انسانی‌تر از ثنویت ایرانی است. براین اساس خرد یا عقل، گوهر الهی یا فره ایزدی وجود انسان و بهترین راهنمای انسان برای گام برداشتن در مسیر راستی یا آشنه و رسیدن به رستگاری است.

وجدانی (1391) در مقاله ای به بررسی و نقد خرد در شاهنامه فردوسی پرداخته و خاطر نشان می‌کند که تعلق فردوسی به عصر طلایی تمدن ایرانی که خرد گرایی و ویژگی ممتاز آن به شمار می‌آید، درخشش خرد در فرهنگ باستانی ایران که وی میراث دار آن است و جایگاه خرد در مذهب تشیع که مذهب مختار اوست، هیچ یک خاطر فرزانه طوس را که خود نیز بنا بر استعداد شخصی حکیمی خردباور و خردپذیر است، از توجه به وجوه منفی و ناپسندیده خرد منصرف نساخته است.

دیناری و موحدی (1398) در مقاله ای به بررسی دگرگونی جایگاه و ارزش خرد از آثار حکما تا آثار عرفا پرداختند و نشان دادند که آثار نخستین شعرا بیشتر صبغه‌ای حکیمانه داشته و آثار شعرای قرن هفتم و هشتم بیشتر صبغه و رنگ عرفانی و صوفیانه داشته است. هم شعرای حکیم و هم شعرای عارف اشعار متعددی با مضمون عقل یا خرد داشته‌اند، اما از آنجاکه دیدگاه و نگرش کلی آنها به سایر پدیده‌های مادی و معنوی کاملاً متفاوت و گاه متضاد است، با وجود استفاده تقریباً یکسان از این واژگان، محصول کار آنها متفاوت و متباین و گاه متناقض است. دلیل این امر آن است که دیدگاه این دو دسته از شاعران از منابع و مشرب‌های فکری کاملاً متضادی درباره پدیده‌های عالم هستی سرچشمه می‌گیرد.

روش کار:

روش پژوهش در این بررسی توصیفی - تحلیلی و ارزیابی کمی است؛ از این رو، با استخراج اشعار و سروده های شاعران دیوان خمسه نظامی حکیم نظام الدین الیاس نظامی گنجوی بر اساس چاپ مسکو - باکو انتشارات هرمس نحوه پرداختن شاعر در زمینه خرد و عقل انسانی بحث و بررسی می‌شود.

بحث :

بررسی و تحقیق در اشعار و افکار نظامی به دو دلیل می‌تواند، چشمگیر باشد؛ اول اینکه شخصیتی متمایز از دیگر شاعران داشته است. «اگر نبوغ او در میان شعرای ایران کمتر رقیب داشته، شخصیتش حتی از آن هم کمیاب تر بوده است، او زاهدی متقی بود به استثناء عاری از خرافه پرستی و تعصب، خوددار و مستقل، هوشمند و عاری از خود نمایی، پدر و شوهری مهربان و سخت بیزار از شراب . کوتاه سخن آنکه او را باید ترکیبی از یک نبوغ عالی و شخصیت معصوم در حدی که با هیچ کدام از شعرای ایرانی که زندگیشان مورد تحقیقی انتقادی قرار گرفته باشد، قابل قیاس نیست» (براون، 1351: 94-95).

دیگر جنبه عصر و دوران زندگی نظامی است که تاثیر آن بر افکار نظامی می‌تواند راهگشا باشد. «عصر نظامی، عصر کوردلی، تنگ نظری، تعصبا و سختگیری های مذهبی، سقوط ارزش های انسانی - اخلاقی، و ضد خردگرایی است. در کنار این همه ارزش های ضد معنویت، فشارهای اقتصادی، جنگ های خانگی، ستم شاهان تجاوزهای مأموران حکومتی و رؤسای ایل ها و طایفه ها بر مردم محروم، و زلزله و قحطی، اجتماعی را می‌سازد که حتی فریاد شاعران مدیحه پرداز را نیز بر آسمان می‌رساند. عصر نظامی، عصر تعصب های مذهبی است. اصولاً، شکست معتزله و برقراری اشعریان به معنای پایان دوران آزاد اندیشی در مذهب است» (ثروت، 1370: 24). «نظامی نسبت به عقل و خرد و نقش آن در هدایت انسان، نظر ستایش آمیزی دارد؛ و آن را برای شناخت حق لازم می‌شمرد، و نبودش را مایه ی گمراهی. ولی با این همه از نظر او عقل تا حدی برای شناخت حق می‌تواند قدم بردارد که به برهانی دال بر وجود حق، برسد و بالاتر از این را نوعی ترک ادب از جانب خردمند می‌داند» (زرینکوب، 1372: 257).

خرد راهنما

جایگاه ویژه خرد و عقل انسانی در پیشگاه تفکر نظامی در چند مورد توجه و عنایت است:

خرد بخشید تا او را شناسیم بصارت داد تا هم زو هراسیم
(نظامی، 1390 : 21)

از دیدگاه نظامی عقل و خرد انسانی دارای مرتبه بزرگی در آفرینش است و راهی است به سوی شناسایی جهان و آفریننده جهان. در حدیث از امام محمدباقر علیه‌السلام آمده است: «لما خلق الله بالعقل استنطقه قال له اقبل فاقبل ثم قال له ادبر فادبر ثم قال و عزتی و جلالی ما خلقت خلقاً هو احب الی منک...» «چون خدای تعالی عقل را آفرید او را به نطق و داشت. سپس به او فرمود بازآ و او باز آمد. سپس به او فرمود برگرد و او برگشت. سپس فرمود به عزت و جلالم سوگند که من آفریده‌ای را که از تو نزد من محبوب‌تر باشد، نیافریدم...» (امام خمینی، 1360: 159).

زین بیش خزینه چون توان داد آراست به نور عقل جانرا
وافروخت به هر دو این جهان را زین گونه بسی گهر فشانده
(نظامی، 1394 : 465)

عقل و خرد انسانی نوری است تابیده بر جان آدمی و چون گوهری گران بها، از ناحیه خداوند به انسان ها عطا گردیده است.

چو شد حجتت بر خدائی درست خرد داد بر تو گدائی نخست
خرد را تو روشن بصر کرده‌ای چراغ هدایت تو بر کرده‌ای
(نظامی، 1384 : 743)

خرد و عقل را خداوند به انسان عطا کرد تا او راهی به سوی شناخت خداوند داشته باشد.
آب حیوانی نه آب حیوان است جان با عقل و عقل با جان است
جان چراغ است و عقل روغن او عقل جان است و جان ما تن او
عقل با جان عطیه احدی ست جان با عقل زنده ی ابدیست
حاصل این دو جز یکی نبود کان دو داری در این شکی نیست
(نظامی، 1384 : 560)

نظامی ضمن این که خرد را ستایش کرده، آن را جانِ جان می‌داند. زیرا حیات روح ما، به عقل است. تمامی انسانیت انسان به عقل است. شاعر پای عقل و جان را به میان می‌کشد تا به همراهی و مزاجت این دو نیرو، بهتر و مطمئن تر، خواننده را به آستانه پربار خودشناسی برساند. اگر انسان ها بخواهند به آب حیات و عمر جاویدان برسند تنها با همراهی عقل و جان ممکن است؛ و این همراهی تنها با رسیدن به توحیدمیسر می‌گردد. عبارت‌های قرآنی «لعلکم تعقلون» و «لعلکم تتفكرون» و یا «افلا تعلمون» و... از انسان خواسته شده است. ارزشمندی انسان به عقل او و ارزشمندی عقل به رسیدن به وحدانیت است.

ای هرچه رمیده وارمیده در کن فیکون تو آفریده
ای واهب عقل و باعث جان ای حکم تو هست و نیست یکسان
(نظامی، 1394 : 351)

خداوند را واهب عقل به انسان می‌داند و عقل به عنوان هدیه ای گرانبها از جانب خداوند تبعاً دارای جایگاه ویژه ای در تفکر شاعر است. عقل، صادر نخستین است و شریف‌ترین مخلوق. عزالدین محمود کاشانی

می‌گوید: «عقل اشرف و اکرم مخلوقات است و در صدر آفرینش منصب تصدر و تفوق دارد. درباره صادر نخستین سه حدیث موجود است: «اول ما خلق الله تعالی العقل» اولین چیزی که خدا خلق کرد عقل است و در حدیث دیگری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «اول ما خلق الله تعالی نوری» اولین چیزی که خدا آفرید نور من است و حدیث دیگری است که «اول ما خلق الله تعالی القلم» اولین چیزی که خدا آفرید قلم است و این سه عبارت از یک معنی بیش نیست» (کاشانی، 1367: 103-102).

فلک بر پای دار و انجم افروز	خرد را بی میانجی حکمت آموز
جواهر بخش فکرت‌های باریک	به روز آرنده شبهای تاریک
ای صدر نشین عقل و جان هم	محراب زمین و آسمان هم
گشته زمی آسمان ز دینت	نی نی شده آسمان زمینت

(نظامی، 1394 : 355)

جایگاه عقل چنان بالاست که شاعر پیامبر را مصدر نشین عقول می‌داند. عرفا بر این عقیده‌اند که آن «انسان کامل» که به تمام و کمال بتواند آئینه‌ی ذات الهی باشد، تنها پیامبر اکرم (ص) بوده است و اوست که از سویی به حکم حدیث معروف «لولاک لما خلقت افلاک» غایت و هدف ایجاد عالم بوده است و تمام آفرینش به خاطر وجود مبارک آن حضرت (ص) پدید آمده است و همچنین آن حضرت (ص) کامل‌ترین انسان در تمام دوران آفرینش بوده است و به عبارت دیگر، اکمل وجود انسان بود و نیز روح او (ص) بنا بر حدیث شریف «اول ما خلق الله نوری» (صدری‌نیا، 1388: 164).

مه‌ره‌کش رشته یکتای عقل	روشنی دیده بینای عقل
-------------------------	----------------------

(نظامی، 1384 : 15)

عقل رشته‌ای است که انسان را به حقیقت می‌رساند. با روشنی خرد، انسان تاریکی‌های جهل را در می‌نوردد و به حقیقت می‌رسد. خداوند گوهر عقل را در وجود انسان به ودیعه نهاده تا بتواند بر حقایق جهان آفرینش و کنه امور دست یابد.

عقل شفا جوی و طبیبش توئی	ماه سفرساز و غریبش توئی
خیز و شب منتظران روز کن	طبع نظامی طرب افروز کن

(نظامی، 1384 : 14)

دنیا و آخرت به برکت پیامبر آفریده شده و عقل رشحه‌ای از رشحات اوست که وی عقل کل و کل عقل است.

نظامی معتقد است با وجود این که عرش الهی وسیع‌ترین و عظیم‌ترین مخلوق الهی است، شأن از شوون حضرت محمد (ص) است و بیان می‌دارد که اگر حقیقت جان رسول الله تجلی یابد و پرتو افشانی کند، در مقابل آفتاب وجود حضرت رسول، عرش الهی ذره‌ای بیش نخواهد بود.

ای شاه سوار ملک هستی	سلطان خرد به چیره دستی
ای ختم پیمبران مرسل	حلوی پسین و ملح اول

(نظامی، 1394 : 355)

در نظرگاه نظامی عقل و خرد آنچنان جایگاه والایی دارد که پیامبر عظیم الشان را فرمانروا و حاکم بلامنازع بر وادی عقل می‌داند.

فلک بر پای دار و انجم افروز	خرد را بی میانجی حکمت آموز
جواهر بخش فکرت‌های باریک	به روز آرنده شب‌های تاریک

(نظامی، 1390 : 99)

جایگاه خرد آنچنان رفیع است که خداوند متعال، خود راهبری عقل و خرد در حکمت آموزی را عهده دار گردیده است.

نیابت بجای آری از دین و داد نیاری ز من جز به نیکی به یاد

(نظامی، 1384 : 872)

از دیدگاه نظامی خرد میزان تشخیص خوب و بد است و ترازوی اعمال انسانی، در کاربست عدل و داد در زندگی اجتماعی محسوب می‌گردد.

مست مکن عقل ادب ساز را طعمه گنجشک مکن باز را

(نظامی، 1384 : 79)

عقل انسان هدیه ای از جانب پروردگار و سرچشمه جوشان اخلاق و ادب است و نبایستی آن را با زخارف دنیوی زائل کرد.

عقل با جان عطیه ی احدی است جان با عقل زنده ی ابدی است

حاصل این دو جز یکی نبود کآن دو داری در این شکی نبود

تا ازین دو به آن یکی نرسی هیچ کس را مگو که هیچ کسی

کآن یکی یافتی دو را کم زن پای بر تارک دو عالم زن

(نظامی، 1384 : 561)

از دیدگاه نظامی عقل و جان دو هدیه خداوندی به انسان است و توجه به این دو بعد انسانی باعث تعالی و رشد فضائل انسانی می‌گردد. جان توسط عقل و خرد انسان را به سوی حقیقت خدا سوق می‌دهد.

هر کسی را نهفته یاری هست دوستی هست و دوستداری هست

خرد است آن کز او رسد یاری همه داری اگر خرد داری

هر که داد خرد نداند داد آدمی صورتست و دیو نهاد

(نظامی، 1384 : 554)

ارزش و جایگاه خرد در نظرگاه نظامی با این سخنان آشکار است و هر آنکه را بویی از خرد نبرده نمی‌توان نام آدمی نهاد.

پایان خرد

ترازوی همه ایزدشناسی چه باشد جز دلیلی یا قیاسی

قیاس عقل تا آنجاست بر کار که صانع را دلیل آید پدیدار

مده اندیشه را زین پیشتر راه که یا کوه آیدت در پیش یا چاه

(نظامی، 1390 : 100)

خرد انسانی را حد و مرزی است و تا آنجا کاربرد دارد و قابل اعتماد است که تو را به وجود پروردگار راهنمون گردد و بیرون از این مرز خردورزی بایسته نیست. اینجا پایان کارکرد خردورزی از دیدگاه نظامی است. به عقیده ابن تیمیه هرگاه عقل با شرع تعارض پیدا کند مقدم داشتن شرع بر عقل واجب خواهد بود. دلیل تقدم شرع بر عقل این است که همه آنچه در شرع وارد شده، مورد تصدیق عقل قرار گرفته است. ولی همه آنچه عقل آن را می‌پذیرد، مورد تصدیق شرع نیست. به عبارت دیگر می‌توان گفت در نظر ابن تیمیه اعتبار احکام عقل، مشروط به امضای شرع است ولی اعتبار احکام شرع هرگز مشروط به امضای عقل

نیست (ابراهیمی دینانی، 1379، ج 1: 14). «عقل که متولی و متصدی درک حقایق است، پیغمبر خدا را به عنوان تولیت در وصول به حقایق پذیرفت و سپس خود را از مقام تولیت عزل کرد. زیرا عقل، آگاهی دارد که تصدیق و ایمان آوردن به آنچه پیغمبر از جانب خدا آورده لازم است و اطاعت از دستورات او نیز واجب می باشد.» (ابن تیمیه، 1971: 138). توجه و صراحت نظامی به عدم کفایت عقل به آبخورهای فکری کلامی جدال معتزله و اشاعره در این زمینه بر می گردد. آنچه موجب شده که عرفای عالی مقام با دیده تحقیر به عقل بنگرند جز علو مقام و رفعت درجه در وادی سلوک، چیز دیگری نیست... چشم عارف حقیقی، چشم حق بین است. اوبه دیده حق می نگرد و به همین جهت، جز حق چیز دیگری نمی بیند. پر واضع است که وقتی انسان در اثر وصول به مقام معرفت همه چیز را به دیده حق می نگرد، تکلف استدلال و کوشش های فلسفی را کودکانه دانسته و ارزش چندانی برای آن قائل نخواهد بود (ابراهیمی دینانی، 1379، ج 1: 10).

هر آنچه آفرید او به اسباب نیست

به دریافتن عقل را تاب نیست

خرد دانش آموز تعلیم اوست

دل از داغداران تسلیم اوست

(نظامی، 1384 : 830)

عقل و استدلال در یافتن رموز آفرینش و شناخت ساحت کبریایی درمانده و عاجز است. «از ابوالحسین نوری پرسیدند: چگونه و از چه طریق خدا را شناختی؟ او در پاسخ گفت: خدا را از طریق خدا شناختم. به او گفته شد: در این میان نقش عقل چیست؟ در پاسخ گفت: عقل ناتوانی است که جز بر ناتوانی، همانند خود دلالت نخواهد داشت. او سپس افزود: هنگامی که خداوند منان عقل را آفرید، به او گفت: من کیستم؟ عقل در مقام پاسخ به این پرسش سکوت پیشه کرد. در اینجا بود که خداوند تبارک و تعالی چشم عقل را به سرمه نور وحدانیت روشن ساخت و در پرتو این نور بود که عقل سکوت خود را شکست و گفت: تویی خدای بزرگ. بنابراین عقل خدا را جز به یاری خود خداوند نتوانست بشناسد» (دینانی، 1380: 27).

عقل آبله پای و راه تاریک

وانگاه رهی چو موی باریک

توفیق تو گر نه ره نماید

این عقده به عقل کی گشاید

(نظمی، 1394 : 352)

عقل برای رسیدن به معرفت و شناخت حضرت حق چندان مورد اعتماد نیست و راهی جز گمراهی و ضلالت پیدا نمی کند، تنها با همراهی و عنایت خداوند است که عقل می تواند کورسویی به سوی حقیقت بیابد. تلاش و کوشش، عقل را برای دریافتن ذات اقدس خداوند بیان می کند و می گوید در نهایت به جز خستگی و درماندگی چیزی نصیبش نمی شود و اگر توفیق الهی و یا به تعبیر جنید معرفت تعرف نباشد، عقل راه به جایی نمی برد.

خرد تا ابد در نیابد تو را

که تاب خرد برنتابد تو را

وجود تو از حضرت تنگبار

کند پیک ادراک را سنگسار

(نظامی، 1384 : 774)

از دیدگاه نظامی کمیت خرد در شناسایی ذات خداوند لنگ است. در این زمینه ابن عربی می گوید: «عقل و فکر

همانند خود انسان حادث و تقلیدگر است. خداوند علاوه بر عقل، قوای دیگری نیز در انسان خلق نموده است که خدمتکار عقل هستند و عقل در آنچه این قوا به او می دهند، مقلد است و هریک از این قوا از مقام و مرتبه خود تجاوز نمی کنند و هیچ یک قادر بر فعل قوه دیگر نمی باشند، مانند قوه حافظه، مصوره متخیله و قوای حسی پنج گانه مانند لمس، شم، سمع و بصر و هریک از این قوا محدودند. عقل در کسب معرفت از این قوا

تقلید می‌کند و در حکم کردن به همه آنها محتاج است و ذاتاً توانایی ندارد که بر چیزی که حس نکرده است، حکمی نماید (ابن عربی، 1329، ج 1: 94).

نشاط از تو دارد گهر سفتنم
سزاوار توست آفرین گفتنم
خرد کاسمان را زمین می‌کند
برین آفرین آفرین می‌کند
(نظامی، 1384 : 767)

سرای شرع را چون چار حد بست
بنا بر چار دیوار ابد بست
ز شرع خود نبوت را نوی داد
خرد را در پناهش پیروی داد
(نظامی، 1390 : 105)

بر اساس اندیشه های کلامی نظامی وظیفه اساسی عقل و خرد متابعت از شرع نبوی است و تنها در پناه شریعت است که خرد راه خود را به سوی شناخت از خداوند باز می‌شناسد. «عقل دارای چنان قدرت و استعدادی است که با آن علوم رسمی را از فکر و نظر می‌گذراند و از حواس و قوای دیگر استفاده می‌نماید و جمیع علوم رسمی و معارف علوم الهی را از طریق کشف الهی درمی‌یابد و به‌عنوان عطایا و مواهب الهی می‌پذیرد» (مرتضایی، 1391: 204).

چو من بی‌عشق خود را جان ندیدم
دلی بفروختم جانی خریدم
ز عشق آفاق را پردود کردم
خرد را دیده خواب‌آلود کردم
کمر بستم به عشق این داستان را
صلای عشق در دادم جهان را
(نظامی، 1390: 11)

تضاد میان عقل و عشق در عرفان و تصوف عاشقانه تضادی است ناگزیر که جمع میان آن دو ممکن نیست. عشق مستی و از خود بی خود شدن است و عقل هوشیاری و به خود بودن، به همین سبب حضور یکی از آن دو، غیب دیگری است (پور نامداریان، 1380: 181). در این سخن می‌توان اندیشه عرفانی نظامی یعنی تقابل عشق و خرد را در انگیزش حرکت انسانی شاهد بود. او مشوق آغاز به خلق اثر هنری را وابسته به نادیده گرفتن خرد و عقل و توجه به نیروی بی بدیل عشق می‌داند.

تو بر افروختی درون دماغ
خردی تابناکتر ز چراغ
با همه زیرکی که در خردست
بی‌خودست از تو و به جای خودست
چون خرد در ره تو پی گردد
گرد این کار وهم کی گردد
جان که او جوهرست و در تن ماست
کس نداند که جای او به کجاست
تو که جوهر نئی، نداری جای
چون رسد در تو وهم شیفته رای؟
(نظامی، 1384 : 538)

عقل و خرد با این همه شکوه در دریافت کنه هستی و وجود، در کمینگاه توهم و خیال گام بر می‌دارد و هم‌رهی با عقل می‌تواند انسان را به وادی سردرگمی و انحراف رهنمون سازد. دست یافتن به حقیقت هستی و خداوند بدون کمک شریعت راه ضلالت و گمراهی است و این همان اندیشه حافظ است که می‌فرماید:

طی این مرحله بی هم‌رهی خضر مکن
ظلمات است بترس از خطر گمراهی.
(حافظ، 1398 : 142)

چو دانستی که معبودی ترا هست
بدار از جست‌وجوی چون و چه دست
ترازوی همه ایزدشناسی
چه باشد جز دلیلی یا قیاسی؟

قیاس عقل تا آنجاست بر کار
 مده اندیشه را زین بیشتر راه
 که صانع را دلیل آمد پدیدار
 که یا کوه آیدت در پیش یا چاه
 (نظامی، 1390: 100)

نظامی با این سخنان جایگاه عقل را در خداشناسی تبیین می نماید. از نظرگاه او خرد و عقل انسانی وجاهت لازم را در ورود به جایگاه و مقام احدیت ندارد؛ بلکه خرد از ملزومات شناخت به شمار می رود و تفحص خرد در این وادی شایسته انسان خداشناس و متشرع نیست. از دیدگاه نظامی ساحت خداشناسی، ساحت عبودیت تام است، نه فضولی عقل و خرد.

نموداری که از مه تا به ماهی است
 طلسم بسته را با رنج یابی
 طلسمی بر سر گنج الهی است
 چو بگشائی بزیرش گنج یابی
 طبایع را یکایک میل در کش
 بدین خوبی خرد را نیل در کش
 مبین در نقش گردون کان خیال است
 گشادن بند این مشکل محال است
 (نظامی، 1390: 100)

در راه دست یافتن به رمز گردش افلاک و جهان هستی چشم خرد را کور کن تا با چشم دل به رموز آفرینش دست یابی و از گنجینه معرفت الهی سرشار گردی.

نتیجه گیری :

نظامی درباره خرد دیدگاه دو گانه ای دارد. از یک سو به ستایش عقل و خرد پرداخته و جایگاه عقل را در هدایت انسان ممتاز می داند و از سوی دیگر با توجه به دیدگاه عرفانی و وابستگی به شریعت عقل برای رسیدن به معرفت و شناخت حضرت حق راه به جایی نمی برد و در این زمینه خرد را چندان مورد اعتماد نمی داند. از دیدگاه نظامی عقل و خرد انسانی دارای مرتبه بزرگی در آفرینش است و راهی است به سوی شناسایی جهان و آفریننده جهان. از طرفی نظامی عقل و خرد انسانی نوری است تابیده بر جان آدمی و چون گوهری گران بها، از ناحیه خداوند به انسان ها عطا گردیده است. او ضمن این که خرد را ستایش کرده، آن را جانِ جان می داند. زیرا حیات روح ما، به عقل است. تمامی انسانیت انسان به عقل است. عقل رشته ای است که انسان را به حقیقت می رساند. با روشنی خرد، انسان تاریکی های جهل را در می نوردد عقل انسان هدیه ای از جانب پروردگار و سرچشمه جوشان اخلاق و ادب است و نبایستی آن را با زخارف دنیوی زائل کرد. از طرف دیگر در زمینه ناتوانی عقل و خرد اعتقاد دارد که عقل برای رسیدن به معرفت و شناخت حضرت حق چندان مورد اعتماد نیست و راهی جز گمراهی و ضلالت پیدا نمی کند، تنها با همراهی و عنایت خداوند است که عقل می تواند کورسویی به سوی حقیقت پیدا کند بر اساس اندیشه های کلامی نظامی وظیفه اساسی عقل و خرد متابعت از شرع نبوی است و تنها در پناه شریعت است که خرد راه خود را به سوی شناخت از خداوند باز می شناسد.

منابع فارسی:

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (1380) دفتر عقل و آیت عشق، جلد اول، تهران، طرح نو.
- _____ (1379) ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، تهران، طرح نو.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (1971) در تعارض العقل والنقل، تحقیق محمد رشاد سالم، مطبوعه دارالکتب، قاهره.
- ابن عربی، محی‌الدین محمد (1329 ق)، الفتوحات المکیه فی معرفه أسرار المالکیه والملکیه، به کوشش عثمان یحیی، 13 جلدی، چاپ قاهره، بی‌نا.
- ارسطو، (1369)، درباره نفس، ترجمه و تحشیه از: علی‌مراد داوودی، چاپ سوم، تهران: حکمت.
- براون، ادوارد (1351)، تاریخ ادبیات از سنایی تا سعدی، ترجمه‌ی غلامحسین صدری افشار، تهران، انتشارات مروارید.
- پارسانسب، محمد (1388)، از عقل ناصرخسرو تا عقل سنایی، ادب و زبان فارسی، دوره جدید، ش. 26، (پیاپی 23)، ص. 87 تا 114.
- پورنامداریان، تقی (1380) دیدار با سیمرخ، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ثروت، منصور (1370) گنجینه حکمت در آثار نظامی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر
- خمینی، روح‌الله (1360) مصباح‌الهدایه، ترجمه سید احمد فهری، تهران، پیام آزادی.
- دیناری، فرهاد؛ موحدی، محمدرضا (1398) دگرگونی جایگاه و ارزش خرد از آثار حکما تا آثار عرفا، عرفان اسلامی، شماره 59 (از صفحه 13 تا 41)
- زرین کوب، عبدالحسین (1372). پیر گنجه در جست و جوی ناکجا آباد. چاپ اول. انتشارات سخن.
- کاشانی، عزالدین محمود بن علی (1367). مصباح‌الهدایه مفتاح‌الکفایه، تصحیح جلال‌الدین همایی. چ 3. تهران: مؤسسه ی نشر هما
- مرتضایی، بهزاد (1391) جایگاه عقل در جهان بینی عرفانی ابن عربی و دلایل ناتوانی آن در شناخت حق، اندیشه نوین دینی، شماره 29 (از صفحه 195 تا 212).
- نظامی، (1384)، کلیات نظامی کنجوی، تصحیح حسن دستگردی، وحید، تهران: انتشارات نگاه.
- _____، (1390)، خسرو و شیرین، تصحیح حسن دستگردی، وحید، تهران: انتشارات ارمغان.
- _____، (1394)، لیلی و مجنون، تصحیح حسن دستگردی، وحید، تهران: انتشارات ارمغان.

منابع لاتین:

- Gholam Hossein, Ebrahim Dinani. (1380). The notebook of reason and the sign of love, first volume, Tehran, Tarh-e-No.
- The story of philosophical thought in the Islamic world, Tehran, Tarh-e-No pub.
- Ibn Taym : yyah – Ahmad Ibn Abdol Halim, The conflict between Reason and Revelation.

- Ibn Arabi mohieddin .mohammad, (1329), The meccan conquests in knowledge of the royal and royal secrets prepared by Osman yahya 13 volumes, cairo pub,...
- Aristotle, about the soul (1369) translator : Ali morad Davoudi, Third print, Tehran, Hekmat.
- History of Iranian literature from sanai to suadi by Edward- Brown Translator : Gholam Hossein sadri Afshar, Tehran, Morvarid pub.
- persa nasab .Mohamad, from the intellect of Nasser khosrow to the intellect of sanai, Persian literature and language. New period, No x6, (consecutive x3) from page 87 to page 114.
- Taqi.poor Namdariyan (1380),The vision of simurgh, Tehran, institute of Humanities and cultural studies.
- Servat. Mansur (1370), Treasure of wlsdom in Nezami works, Amir kabir pub.
- Khomeyni. Ruhollah (1360) Mesbah Al- Hedayeh, Translator : seyed Ahmad Fahri. Tehran – payam – e – Azadi.
- Dinari, farhad, Movahedi. Mohammad Reza, (1398)Transformation of the position and value of wisdom from the works of sages to the works of mystics – Islamic mysticism No 59 (13- 42pp).
- Zarinkub. Abdol Hossein, (1372). Pir Ganjeh in search of nowhere, First edition, sokhan pub.
- Izz al – Din Mahmud Ibh Ali (1397) mesbah al – Hedayeh and maftah al-Kifaya, Edited by Jalauddin Homyi, volume 3, Tehran – Homa pub.
- Mortezaee. Behzad, (1391) The place of reason in Ibn Arabi`s mystical world view and the reason for its inability to know the truth. New religious thought, No 29, 195 – pp.
- Nezami (1381) Nezami Ganyavi generalities corrected by Hassan Dastgerdi, vahid, Tehran. Armaqan pub.
- Nezami (1390), Khosrow and shirin,corrected by Hassan Dastgerdi, vahid, Tehran- Armaqan pub.
- Nezami (1394). Leili and Majnoon, corrected by Hassan Dastgerdi, vahid, Tehran- Armaqan pub.